



Dimensions, Components, and Indicators of Policymaking for the Development of Non-Governmental Organizations

Reza Rajabi Kia

Department of Public Administration, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Email: r.rajabikea@gmail.com

Somayeh Ghajari

Department of Public Administration, Naragh Branch, Islamic Azad University, Naragh, Iran.
(Corresponding Author).
Email: ghajaris@iau.ac.ir

Bahram Alishiri

Department of Public Administration, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Email: Bahram.alishiri@iau.ac.ir

Abstract

This study aims to identify and develop the dimensions, components, and indicators of policymaking for the development of non-governmental organizations (NGOs) within the Ministry of Education. From the perspective of its objective, the research is applied in nature and employs a qualitative research design. The study population comprised experts and scholars in the field of education, from whom 74 participants were selected through theoretical sampling. Data were collected using focused interviews and analyzed through systematic coding, categorization, and prioritization procedures. The findings identified five principal dimensions of policymaking for NGO development in the Ministry of Education, ranked in order of priority: intra-organizational factors, extra-organizational factors, enabling environment, capacity building, and upstream policy documents. Furthermore, the associated components include economic issues, structural and managerial issues, human resource issues, governance, society, laws and regulations, development programs, executive bylaws, organizational restructuring, professionalization, pathology analysis (organizational diagnosis), knowledge management, electronic governance, environmental and spatial considerations, and the creation of supportive political and social conditions. These dimensions and components constitute the essential framework that should be employed in formulating effective policies for the development of non-governmental organizations within the Ministry of Education.

Keywords: Policymaking; Non-Governmental Organizations (NGOs); Organizational Development; Ministry of Education; Capacity Building.





سال پنجم، شماره اول (پیاپی ۱۶)، بهار ۱۴۰۵، صص. ۱-۳۰
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۲۰

مقاله پژوهشی

ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های خط‌مشی‌گذاری در حوزه توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد

رضا رجبی‌کیا

دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Email: r.rajabikea@gmail.com

سمیه قجری

دانشیار گروه مدیریت دولتی، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران (نویسنده مسئول)

Email: ghajaris@iau.ac.ir

بهرام علی‌شیری

دانشیار مدیریت دولتی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Email: Bahram.alishiri@iau.ac.ir

چکیده

این پژوهش با هدف ارائه ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های خط‌مشی‌گذاری در حوزه توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت آموزش و پرورش انجام پذیرفته است. پژوهش حاضر از لحاظ هدف از نوع کاربردی بوده و به روش کیفی انجام شده است. اساتید و صاحب‌نظران حوزه آموزش و پرورش به تعداد ۷۴ نفر به‌عنوان حجم نمونه به روش نمونه‌گیری نظری انتخاب و اطلاعات مورد نیاز با استفاده از روش مصاحبه متمرکز گردآوری شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از فرایند کدگذاری و مقوله‌بندی اطلاعات و رتبه‌بندی آن‌ها انجام شده است. براساس یافته‌های پژوهش در نهایت پنج بُعد اصلی (درون‌سازمانی، برون‌سازمانی، بسترسازی، توانمندسازی و اسناد بالادستی) به ترتیب اولویت به‌عنوان ابعاد خط‌مشی‌گذاری در حوزه توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت آموزش و پرورش مطرح هستند و مؤلفه‌های آن عبارت‌اند از: مسائل اقتصادی، مسائل ساختاری و مدیریتی، مسائل منابع انسانی، حاکمیت، جامعه، قوانین و مقررات، برنامه‌های توسعه، آیین‌نامه‌ها، بازسازی درون‌سازمانی، تخصصی شدن، آسیب‌شناسی، مدیریت دانش، الکترونیک، محیطی و مکانی، ایجاد زمینه سیاسی و اجتماعی که به‌منظور تدوین خط‌مشی‌گذاری در حوزه توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت آموزش و پرورش باید به‌کار گرفته شوند.

کلیدواژه‌ها: خط‌مشی‌گذاری، توسعه، سازمان‌های مردم‌نهاد، وزارت آموزش و پرورش

شاپا الکترونیک: ۳۰۴۱-۹۹۷۲ ♦ شورای عالی نظریه‌پردازی، نقد و مناظره ♦ فصلنامه نظریه‌پردازی راهبردی



<https://Theory.sndu.ac.ir/> E-ISSN: 3041-9972



صحت مطالب بر عهده نویسنده مقاله است و بیانگر دیدگاه دانشگاه عالی دفاع ملی نیست.



مقدمه

سازمان مردم‌نهاد گروهی غیرانتفاعی و داوطلبانه هستند که در سطح بین‌المللی، ملی و محلی برای امداد رسانی و کمک به اقشار آسیب‌پذیر تلاش می‌کنند و هدف اصلی آن‌ها، ارتقای سطح کیفی و کمی زندگی افراد در حوزه‌های مختلف فارغ از نفع مالی است. این سازمان‌ها با افزایش مشارکت‌های مردمی، ایجاد رابطه بین نهادهای رسمی و مردم، انعکاس نیازهای واقعی به نهادهای برنامه‌ریزی را ممکن می‌سازند (نیک زاد، ۱۴۰۱: ۵).

سازمان‌های غیردولتی در پی رخدادهای دهه ۱۳۷۰ و پس از گذشت حدود یک دهه از انقلاب ۱۳۵۷ گسترش یافتند. تعداد این سازمان‌ها در سال ۱۳۴۷ تنها ۳۷۷ گزارش شده است، اما تا سال ۱۳۷۸ تعداد آن‌ها به ۴۰۰۰ رسید، که از آن میان، بسیاری دیگر وجود دارند که به ثبت نرسیده‌اند. همچنین درحالی‌که از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۶۵ تنها ۱۳ سازمان غیردولتی زنان در ایران وجود داشت، تا سال ۱۳۷۹ این تعداد به ۱۵۸ سازمان ثبت شده و ۹۲ سازمان ثبت نشده رسید. در سال ۱۳۸۰ این تعداد به ۲۲۸ سازمان ثبت شده و ۲۰۰ ثبت نشده و در سال ۱۳۸۱ به ۲۷۹ ثبت شده و ۲۸۹ ثبت نشده افزایش یافته است. یکی از عوامل رشد کمی سازمان‌های مردم‌نهاد تأثیر برنامه سوم توسعه است که برای دوره برنامه چهارم نیز تنفیذ شده است. در این برنامه برای حل بسیاری از معضلات اجتماعی بر استفاده از توان سمن تأکید شده است. یکی از دغدغه‌های مهم پژوهش حاضر بررسی امکان شکل‌گیری رابطه میان سازمان دولتی آموزش و پرورش و سازمان‌های مردم‌نهاد است. در این زمینه کلارک (۱۹۹۵) بیان می‌کند که برقراری ارتباط سالم میان نهادهای دولتی و غیردولتی زمانی امکان‌پذیر است که هر دو دارای هدف مشترک باشند (کلارک، ۱۹۹۵). براساس پژوهش‌های انجام‌شده در سطح جهان استراتژی‌های مختلفی برای همکاری بین دو نوع نهاد وجود دارد. وانهیر این استراتژی‌ها را در طیفی از راهبرد بازدارندگی تا راهبرد مکمل برمی‌شمارد. راهبرد بازدارندگی از نگرانی دولت و نهادهای دولتی از فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی ناشی می‌شود و درواقع نهادهای دولتی اغلب سازمان‌های مردمی را ضد خود می‌دانند. در استراتژی‌های نرم به تدریج سازمان‌های غیردولتی به رسمیت شناخته می‌شوند و وارد تعامل



محدود با دولت و سازمان‌های دولتی می‌شوند. صاحب‌نظران چهار نوع تعامل را میان دولت و سازمان‌های غیردولتی برمی‌شمرند که عبارت‌اند از بیگانگی، تقابلی، ابزاری و همکاری. راهبرد همکاری رابطه برد-برد برای هر دو طرف تعامل است. استراتژی‌های بیگانگی و تقابلی رابطه باخت-باخت و راهبرد ابزاری رابطه برد-باخت به نفع دولت و به زیان سازمان غیردولتی است. این استراتژی‌ها براساس میزان مشابهت در اهداف و راهبردهای دولت و سازمان‌های غیردولتی ایجاد می‌شوند. به‌عنوان مثال راهبرد همکاری زمانی است که دو طرف از راهبردها و سازوکارهای یکسانی برای دستیابی به هدفی مشترک استفاده می‌کنند. در راهبرد بیگانگی طرفین از اهداف و راهبردهای یکدیگر بی‌اطلاع‌اند و از این‌رو، نه تقابل شکل می‌گیرد و نه همکاری. در نهایت این‌که فیشر (۱۹۹۸) استراتژی‌های همکاری را شامل راهبرد جداسازی، حمایتی، همیاری و تعاون، بازدارندگی، به رسمیت نشناختن، گزینشی و ابزاری می‌داند (رازقی و لطفی خاچکی، ۱۳۹۷).

حوزه‌های فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد در آموزش و پرورش گسترده و متنوع است. این‌گونه سازمان‌ها سعی کردند تا با تکیه بر نواقص موجود در عملکرد سازمان آموزش و پرورش، خود به رفع این نواقص اقدام نمایند. به‌طور مثال برخی از این سازمان‌ها نیروی انسانی را در سازمان آموزش و پرورش مورد هدف قرار دادند و اموری چون تخصص‌گرایی، نخبه‌پروری، تناسب نیروهای شاغل در بخش آموزشی و غیرآموزشی، تکمیل نیروی انسانی در برخی بخش‌ها و ... را مورد بحث قرار داده و سعی کرده‌اند تا مشکلات موجود در این زمینه را برطرف سازند. برخی تحلیل‌گران از سطح فردی فراتر رفته و سعی نموده‌اند تا ساختار کلی سازمان آموزش و پرورش را مورد نقد قرار دهند. به‌طور مثال آن‌ها به اموری چون بهره‌وری سازمانی، به‌کارگیری فناوری و فناوری نوین، ارتقای سازمانی، فضا و امکانات آموزشی و مواردی از این‌چنین تکیه می‌کنند.

در گذشته سازمان آموزش و پرورش نیز به دلیل تمایل به تمرکزگرایی؛ علاقه جدی جهت حضور سازمان‌های مردم‌نهاد در آموزش و پرورش نشان نمی‌داد. برخی تحلیل‌گران با انتقاد به این رویکرد آموزش و پرورش، معتقدند در جهان امروزی که عصر ارتباطات و تبادل است

سازمان آموزش و پرورش نیز باید از طریق دیگر سازمان‌ها و افراد همواره مورد ارزیابی و نظارت قرار گیرد تا بتواند از طریق تکیه بر نظرات و ایده‌های متفاوت خود را ارتقا ببخشد. به‌طور مثال همواره مشاهده شده است که نقش والدین دانش‌آموزان در امر تربیت و دخالت آنان به سطح اقتصادی تقلیل یافته است این در صورتی است که والدین به‌عنوان ناظرین اصلی روند پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، می‌توانند نقش اساسی در بیان ضعف‌ها و کاستی‌های امر آموزش داشته باشند. همچنین می‌توان از سازمان‌های دیگر نیز جهت ارزیابی عملکرد آموزش و پرورش در حوزه‌های مختلف کمک گرفت. به‌طور مثال سازمان‌های مردم‌نهاد که در زمینه مشاوره تحصیلی هستند از طریق ارزیابی میزان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مراجعه‌کننده؛ گزارش‌هایی از عملکرد آموزش و پرورش، نقاط ضعف و قوت این سازمان و راهکارهایی جهت ارتقای کیفیت آموزش ارائه دهند. امروزه سازمان آموزش و پرورش سعی نموده است در راستای تحولات پیش‌آمده از تمرکزگرایی دوری نموده و در برخی از زمینه‌ها شرایط را جهت حضور سمن‌ها فراهم سازد. پرداختن به کارکرد واقعی خود، همواره دغدغه نظام‌های آموزشی در سراسر جهان بوده است. حال سؤال پیش رو آن است که آیا واقعاً آموزش و پرورش با توجه به ساختار متمرکزگرایانه خود می‌تواند وظایف خود را به بهترین نحو انجام دهد یا باید برخی وظایف را داوطلبانه به نهادهای مردمی بسپارد؟

بنابراین ما نیاز به طراحی مدل خط‌مشی‌گذاری مدیریت مردم‌نهاد در سازمان‌های دولتی به‌طور خاص آموزش و پرورش داریم تا بتوانیم فعالیت‌های دسته‌وگریخته میان این دو سازمان را هماهنگ کنیم و با حذف موازی‌کاری‌ها و جلوگیری از چالش‌های بین دو سازمان به حرکتی هماهنگ و پرشتاب به‌سوی تحقق اهداف آموزشی دست‌یابیم. خط‌مشی‌تصمیمی است که در برابر یک مشکل عمومی گرفته می‌شود؛ اما خط‌مشی صرفاً تصمیم نیست. بلکه فرایندی است شامل تمام اقدامات که از زمان احساس مشکل شروع و به ارزیابی نتایج اجرای خط‌مشی ختم می‌شود. خط‌مشی صرفاً اتخاذ تصمیم نیست بلکه فرایندی است که شامل شناسایی مسئله عمومی، تدوین خط‌مشی، اجرا و ارزیابی نتایج حاصل از اجرای



خط‌مشی است. خط‌مشی‌گذاری، تصمیم‌گیری در مورد اولویت‌ها و اهداف است و باید بر بهترین راه‌حل‌ها برای حل مشکلات یا جلوگیری از آن‌ها متمرکز شود. در این راستا این پژوهش درصدد بررسی مهم‌ترین ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت آموزش و پرورش است.

اهداف در این پژوهش بدین شرح مطرح هستند:

۱. بررسی شاخص‌های خط‌مشی‌گذاری در حوزه توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت آموزش و پرورش؛
۲. بررسی ابعاد و مؤلفه‌های خط‌مشی‌گذاری در حوزه توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت آموزش و پرورش؛
۳. اولویت‌بندی ابعاد و مؤلفه‌های خط‌مشی‌گذاری در حوزه توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت آموزش و پرورش.

۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

امروزه، ارتباط مردم با دستگاه‌های دولتی و رشد مشارکت بیشتر آنان از طریق نهادها و سازمان‌هایی صورت می‌گیرد که به سازمان‌های مردم‌نهاد معروف شده‌اند. نداشتن وابستگی به ساختار و منابع عمومی دولت، داوطلبانه و دموکراتیک بودن، آن‌ها را از سازمان‌های دولتی متمایز می‌کند. پیش‌بینی می‌شود آینده جهان در سیطره سازمان‌های غیردولتی خواهد بود. بر همین اساس هر کشوری احتمال بقای قدرتمندی خود را از طریق گسترش سازمان‌های مردم‌نهاد رقم خواهد زد. ضرورت ایجاد و تقویت این سازمان‌ها را می‌توان در تحقق اهدافی چون کوچک‌سازی دولت، توانمندسازی مردم و افزایش سرمایه اجتماعی، کارآمدسازی نظام اقتصادی، بهینه‌سازی فرایند، برنامه‌ریزی و عملیاتی‌سازی برنامه‌ها و مقابله با آسیب‌ها دانست. افزایش آگاهی‌های اجتماعی، ناکارآمدی مدیریت یک‌جانبه از سوی دولت، ضرورت مشارکت مردمی در پیشبرد امور جامعه و ... از جمله عللی محسوب می‌شوند که باعث ایجاد سازمان‌های مردم‌نهاد شده‌اند.

در ایران، سمن‌ها نسبتاً نوپا بوده و مراحل ابتدایی رشد و بلوغ خود را طی می‌کنند. باوجوداین، در آیین‌نامه‌ها و قوانین کشور اهمیت خاصی به توانمندسازی سمن‌ها و لزوم بهره‌گیری از نقش مؤثر و قابلیت‌های آنان، داده شده است. در حال حاضر برآورد دقیقی از وضعیت این سازمان‌ها (تعداد دقیق و ...) در اختیار نیست. طبق گزارش دفتر آمارهای فرهنگی و خدمات اجتماعی مرکز ایران، در سال ۱۳۸۳، تعداد سازمان‌های غیردولتی شناسایی شده در ایران، حدود ده هزار فقره بوده که استان تهران با داشتن ۱۹۶۵ سازمان، رتبه نخست و استان کهگیلویه و بویراحمد با ۶۹ سازمان پایین‌ترین رتبه را داشته است. البته طبق آمارهای غیررسمی در ایران بین شصت تا هفتاد هزار انجمن و تشکل ثبت نشده است (سلیمانی و وثوقی، ۱۴۰۱).

طبق گزارش مدیر توانمندسازی تشکل‌های مردم‌نهاد وزارت کشور در سال ۱۳۹۷ تعداد تشکل‌های مردم‌نهاد در کشور ۱۴ هزار سازمان گزارش شده است که از این تعداد ۶ هزار تشکل مجوز خور را از طریق وزارت کشور، ۲۵۰۰ مورد با ناجا، ۳۰۰۰ مورد از طریق بهزیستی، ۲۵۰۰ از طریق وزارت ورزش و جوانان، کسب نموده‌اند.

برخی تحقیقات نشان می‌دهد که حضور فعال سمن‌ها در جوامع و کارکردهای مثبت آنان می‌تواند چالش مشارکت عمومی را برای دولت‌ها کاهش دهد (آلداشف، والینو، ۲۰۱۹). ازجمله این کارکردها می‌توان به نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در امور آموزش و پرورش اشاره کرد. بنا بر مطالعات صورت گرفته به نظر می‌رسد ارتباط میان سازمان‌های مردم‌نهاد و آموزش و پرورش همواره با چالش‌های متفاوتی روبه‌رو بوده است که این چالش‌ها گاه میزان همکاری این دو نهاد را به پایین‌ترین سطح رسانده است. این در حالی است که تجربه ثابت کرده است که سازمان‌های مردم‌نهاد علی‌رغم کاستی‌هایی که دارند توانسته‌اند برخی خلأهای موجود در زمینه عملکرد آموزش و پرورش را پوشش دهد. این امر خصوصاً زمانی که به گستردگی و تنوع وظایف آموزش و پرورش از یک‌سو و لزوم برقراری عدالت آموزشی برای همه از سوی دیگر نگاه می‌کنیم ضرورت بیشتری پیدا می‌کند. اگرچه درخصوص ضرورت مشارکت سمن‌ها در فرایند خط‌مشی‌گذاری و نقش‌آفرینی در سازمان‌های دولتی اختلاف نظر



چندانی بین پژوهشگران وجود ندارد؛ اما یک سری خلأهای تحقیقاتی و نظری درخصوص نحوه این نقش‌آفرینی، استراتژی‌های متقابل تعامل سمن‌ها و سازمان‌های دولتی با یکدیگر و شرایط محیط درونی و بیرونی سمن‌ها برای حضور و مشارکت در فضای خط‌مشی‌گذاری وجود دارد. در بسیاری از دیدگاه‌های مطرح شده در باب مشارکت سمن‌ها در امور دولتی، ظرفیت‌ها و زمینه‌های مشارکت این‌گونه سازمان‌ها و کارکرد مثبت و منفی آن‌ها بررسی نشده است که این امر نشان‌دهنده خلأهای نظری قابل‌توجه در این زمینه است. همچنین بسیاری از پژوهش‌های صورت گرفته در ارتباط با همکاری میان سازمان‌های مردم‌نهاد و آموزش و پرورش کلی بوده و هرکدام سعی نموده‌اند با نگاهی کلی عملکرد این دو سازمان را مورد بررسی قرار دهند ولی هیچ پژوهشی تاکنون به ارائه خط‌مشی‌گذاری در ارتباط با رابطه میان این دو سازمان نپرداخته است. از سوی دیگر پژوهش‌های انجام گرفته، اغلب ایران را هم‌سو با دیگر کشورها در نظر گرفته‌اند و به مباحثی چون تنوع اقلیت‌ها و فرهنگ‌ها در ایران توجه ننموده‌اند. همچنین بسترهای سیاسی و اجتماعی را جهت فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد بررسی نکرده‌اند این در حالی است که رونق سمن‌ها و گسترش فعالیت آن‌ها بسته به شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هر جامعه متفاوت است و این سبب تفاوت کارکردهای آن‌ها نیز می‌شود (اروند، بیبینگتون و دمرت، ۲۰۱۹).

۲. مبانی نظری

نظریه «متیوز»^۱ (۲۰۱۵): متیوز (۲۰۱۵) معتقد است توانمندسازی سازمانی در سازمان‌های مردم‌نهاد مشتمل بر سه بُعد چهارچوب ساختاری پویا، کنترل تصمیمات سازمان و تسهیم اطلاعات است. همچنین توانمندسازی سازمانی دارای سه بُعد توانمندسازی درون‌سازمانی، توانمندسازی بین‌سازمانی و توانمندسازی فراسازمانی است. توانمندسازی درون‌سازمانی اشاره به ویژگی‌هایی دارد که ساختار و وظایف داخلی سازمان را نشان می‌دهند. توانمندسازی بین‌سازمانی رابطه، پیوند و همکاری سازمان را با سایر سازمان‌ها را نشان می‌دهد.

توانمندسازی فراسازمانی اشاره به اقدامات صورت گرفته توسط سازمان دارد که آن اقدامات بر محیط بزرگتری که سازمان در آن قرار گرفته است، تأثیرگذار باشد این توانمندسازی مجموعه‌ای از راهکارها-فعالیت‌های مرتبط با تفویض تصمیم‌گیری به کارمندان را نشان می‌دهد. توانمندسازی سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان برنامه سازمانی شامل فراهم نمودن چهارچوبی است که تمام نیروی انسانی اجازه داشته باشد مهارت و دانش خود را در جهت منافع سازمانی و نیز خودشان توسعه داده و به‌کار ببرند. در توانمندسازی سازمان‌های مردم‌نهاد راجع به توانمندسازی محیط سازمان و فرهنگ، گروه‌های خودگردان و افراد در دو بُعد رفتاری و باورها بحث می‌شود. توانمندسازی توسط محیط سازمانی که فرصت توانمندسازی در آن وجود دارد، ایجاد و حفظ می‌شود. فلسفه توانمندسازی سازمان‌های مردم‌نهاد بر اهمیت تعریف مسئله و تصمیم‌گیری مبتنی بر همکاری، اقدام جمعی، دوام مشتریان، آموزش و هدف دوجانبه کارکنان و سازمان، اقدامات خودیاری و دسترسی به منابع تأکید دارد. در توانمندسازی سازمان‌های مردم‌نهاد ضمن پذیرفتن نقش و جایگاه اساسی فرد در توانمندسازی بر وجود و مهیا بودن مؤلفه‌های سازمانی به‌عنوان بسترسازها یا عوامل ایجادکننده توانمندسازی تأکید می‌شود (علامه و همکاران، ۱۳۹۲).

نظریه «گریفیث»^۱ (۲۰۱۲): او بیان می‌دارند که توانمندی سازمان‌های مردم‌نهاد اشاره به تلاش‌های سازمانی دارد که به افزایش درک افراد را از قدرت، کنترل و توانایی برای تأثیر بر نظام بزرگ‌تری که جزئی از آن هستند، منجر می‌گردد. ازجمله مؤلفه‌های توانمندی سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توان به چهارچوب ساختاری پویا، کنترل تصمیم‌گیری‌های محیط کار، انعطاف در تبادل اطلاعات، بهبود مستمر، قدرت تأثیر بر جامعه و توسعه شغل اشاره نمود (صفدریان و پورکیانی، ۱۳۹۶):

نظریه استریتن (۲۰۱۹): از نظر او سازمان‌های مردم‌نهاد اغلب آن‌چنان که ادعا می‌شود کم‌تر فعالیت‌هایشان اجتماع‌محور بوده و گرایش‌های بیشتری به‌سوی مشارکت در بسترهای کسب‌وکاری دارند که این امر باعث جلب بیشتر حمایت دولت می‌گردد. از نظر او در



کشورهای درحال توسعه، رشد و توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد نیازمند و وابسته به پشتیبانی‌های نهادی و سازمانی در مقیاس ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی هستند و دولت‌ها به سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان ابزارهای استراتژیکی می‌نگرند که می‌تواند در تحقق توسعه ایفای نقش نمایند این امر باعث مداخلات سازمان‌های مردم‌نهاد در امر توسعه شد (دیوپوی و همکاران، ۲۰۲۰).

نظریه «کورتن»^۱ (۲۰۱۸): او جریان‌های طی شده توسط سازمان‌های مردم‌نهاد را به چهار نسل تقسیم می‌کند که سازمان‌های مردم‌نهاد در نسل اول بر پاسخ‌گویی به نیازهای فوری جامعه، نسل دوم گرایش به‌سوی ایجاد اهداف کوچک‌مقیاس توسعه محلی، در نسل سوم تمرکز بیشتری بر موضوعات پایداری و علاقه‌مندی بر تأثیرگذاری نهادی و سیاسی و در نسل چهارم بر تغییرات ساختاری بلندمدت در سطوح ملی و جهانی تأکید داشتند. این تغییرات نسلی سازمان‌های مردم‌نهاد را به سمت مشارکت با نهادها سوق داد که بخشی قابل توجهی از این مشارکت‌ها از جنس فعالیت‌های اقتصادی بوده است. تدریجاً و با تکامل ساختارهای عملیاتی، گرایش‌های سازمان‌های مردم‌نهاد به اقدامات تجاری بیشتر گردید. هرچند، در جوهره و اصل وجودی آنان که می‌بایست بر انتفاع جامعه از منافع حاصله توجه می‌شد، فاصله گرفتند. باین وجود، تبدیل شدن سازمان‌های مردم‌نهاد به سازمان‌های اقتصادی به موازات تغییرات بین‌المللی در حوزه‌های مختلف، جریانی بود که خود دولت‌ها بدان دامن زدند همچنین او بر موضوع تأکید دارد که به واسطه مشکلات و مسائل گوناگون اجتماعی که در جوامع رخ می‌دهد، همکاری‌های کسب‌وکارهای تجاری با سازمان‌های اجتماعی محور مانند سازمان‌های مردم‌نهاد امری است که می‌تواند به رفاه اجتماعی-اقتصادی بیشتر کمک نماید. رفاه یکی از مهم‌ترین شاخص‌های نشانگر پیشرفت کشورها به شمار می‌رود و کشورها به دنبال تحقق نیازهای افراد جامعه هستند (پورفتحی و کفایی، ۱۴۰۰: ۶۹).

نظریه هال جونز (۲۰۰۶): سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند تأثیر بسزایی در جوامع داشته باشند. این سازمان‌های غیردولتی بدون قید و شرط، پاسخ‌گو به برنامه‌های خاص نیستند و

در بسیاری از موارد می‌توانند مستقل عمل کنند. اگرچه سازمان‌های غیردولتی سازمان‌های بسیار متنوعی هستند؛ اما خصوصیت مشترکشان این است که روی اهداف کوتاه‌مدت متمرکز نشده‌اند و از این‌رو، تمرکز خود را به موضوعات بلندمدت مانند تغییرات آب‌وهوا، پیشگیری از مالاریا و بیماری‌های مسری یا موضوعات حقوق بشر اختصاص می‌دهند. علاوه بر این، بررسی‌های عمومی نشان می‌دهد که سازمان‌های غیردولتی غالباً برخوردار از اعتماد عمومی هستند و همین امر آن‌ها را به یک واسطه مفید برای نگرانی‌های اجتماعی تبدیل می‌کند. عمده‌ترین کارکردهای سازمان‌های مردم‌نهاد در حل مسائل اجتماعی عبارت‌اند از: ۱. جلب مشارکت (بسیج عمومی)؛ ۲. جذب سرمایه‌ها (بسیج منابع)؛ ۳. اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی (ارتباطات)؛ ۴. ایجاد، گسترش و تقویت هماهنگی بین دولت و مردم؛ ۵. گسترش نظارت عمومی؛ ۶. افزایش بهره‌وری؛ ۷. ارزیابی و ارزشیابی عمومی؛ ۸. ایجاد، گسترش و تقویت تفاهم بین ملل مختلف و ۹. پایداری در مصرف.

هدف بلندمدت سازمان‌های مردم‌نهاد کمک به توسعه پایدار جامعه است. پنج بُعد توسعه پایدار جامعه به شرح زیر است: ۱. افزایش تنوع اقتصادی محلی؛ ۲. اتکا به خود: توسعه بازارهای محلی، افزایش تولید محلی، فرآوری محلی، ایجاد همکاری بیشتر در بین واحدهای اقتصادی محلی؛ ۳. کاهش استفاده از انرژی ترکیبی بازیافت و مدیریت محصولات زباله؛ ۴. حمایت و تقویت تنوع بیولوژیکی و هم‌زیستی همدلانه با منابع طبیعی؛ ۵. الزام جوامع به عدالت اجتماعی.

رسیدن به این اهداف از طریق فعالیت‌هایی از جمله ظرفیت‌سازی و اتکاب‌نفس است که می‌توان با تأمین بودجه پروژه‌ها، کمک به آگاهی و ارتقا خودسازمان‌دهی گروه‌های مختلف انجام داد. معمولاً این کار با ارائه سه وظیفه اساسی انجام می‌شود: ۱. ارائه خدمات (امداد، رفاه)؛ ۲. آموزش و ۳. حمایت از سیاست‌های عمومی. ایده این است که سازمان‌های غیردولتی می‌توانند از طریق سه کارکرد توسعه پایدار جامعه را ارتقا بخشند: اعتبار خرد، ظرفیت‌سازی و اتکا به نفس (نوذری، ۱۳۹۸: ۶۷).



نظریه «ریورا»^۱ (۲۰۱۳): از نظر او هدف اصلی سازمان‌های مردم‌نهاد، تولید نوع خاصی از کالاهای عمومی است که مؤسسات خصوصی، فراهم کردن آن‌ها را خیلی غیرانتفاعی تلقی می‌کنند و دولت‌ها یا قادر به تهیه آن نیستند یا تمایلی به تهیه آن ندارند. برخلاف مؤسسات تجاری، سمن‌ها نمی‌توانند بر مشوق‌های مالی برای سامان‌دهی به فعالیت‌های خود متکی شوند، بلکه باید بسیار بیشتر از یک مؤسسه تجاری بر مشارکت‌های داوطلبانه متکی باشند. باین حال، ویژگی‌های انعطاف‌پذیری، نوآورانه و محلی بودن سمن‌ها، آن‌ها را قادر می‌سازد که نیازهای بومی یک بافت اجتماعی- فرهنگی خاص را مدنظر قرار دهند (نوذری، ۱۳۹۸: ۶۸).

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف از نوع کاربردی بوده و به روش کیفی انجام شده است. اساتید و صاحب‌نظران حوزه آموزش و پرورش به تعداد ۷۴ نفر به عنوان حجم نمونه به روش نمونه‌گیری نظری انتخاب و اطلاعات مورد نیاز با استفاده از روش مصاحبه متمرکز گردآوری شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از فرایند کدگذاری و مقوله‌بندی اطلاعات و رتبه‌بندی آن‌ها انجام شده است.

۴. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در این پژوهش با استفاده از مصاحبه‌های انجام شده و اسناد و مدارک موجود نسبت به استخراج ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها طبق جدول زیر اقدام شده است.

جدول ۱. ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های خط‌مشی‌گذاری در حوزه توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد

ردیف	ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
۱	درون سازمانی	مسائل اقتصادی	اختصاص بودجه، حمایت‌های مالی دولت کمک‌های مردمی و تسهیلات و اعتبارات دولتی، جذب سرمایه‌ها و منابع کوچک مردمی

ردیف	ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
۲	بیرون سازمانی	مسائل ساختاری و مدیریتی	همکاری‌های بین بخشی، اهمیت مشارکت گروهی، تشکیل کارگروه‌های تخصصی، استفاده از اتاق فکر، کار تیمی، تعهد سازمانی، استفاده از رأی‌گیری و انتخابات، توجه به اشتراک‌گذاری دانش، بهره‌گیری از روش خبرگی، قانون‌مداری، بهره‌گیری از فرصت‌ها، برنامه‌ریزی مقابله با تهدیدها، پوشش نقاط ضعف، تقویت نقاط قوت، راهبرد مداری، برنامه‌ریزی راهبردی، قدرت تحلیل، تفویض اختیار، واگذاری وظایف براساس تخصص و مهارت.
		مسائل منابع انسانی	آمادگی جسمی، سلامت جسمی، موفقیت در آزمون‌های آمادگی جسمانی، سلامت روحی و روانی، شجاعت و دلیری، اعتمادبه‌نفس، ابتکار عمل، روحیه شهادت‌طلبی، نداشتن استرس شغلی، تسلیم‌ناپذیری، هوشیاری و هوشمندی، ابتکار و خلاقیت، نظم و انضباط، پشتکار، جمع‌آوری اطلاعات و آمار لازم، تخصص (مهارت، علم و دانش شایستگی و کفایت)، پاسخ‌گو بودن، وحدت‌گرا بودن، منطبق با زمان (به روز بودن)، طی دوره‌های تخصصی شغلی تجربه کاری، تیزهوشی و حافظه قوی، احساس مسئولیت (در برابر خدا، قانون و مردم)، اشتراک تجارب کاری، سابقه خدمت مناسب، سابقه مدیریت و فرماندهی، حسن سابقه، چاره‌جویی و پیشگیری، جذب نیروهای متخصص و صالح.
		حاکمیت	رفع چندگانگی در تولی گری دولتی سمن‌ها، رفع رویکرد امنیتی و سیاسی به سمن‌ها، عدم حکمرانی گفتمان دولتی بر سمن‌ها، قوانین و مقررات ایجاد و توسعه سمن‌ها، شفافیت در اداره سمن‌ها، نظارت بر سمن‌ها، عدم رویکرد ایزاری به سمن‌ها.
		جامعه	ارتقای مشارکت عمومی، تعامل سمن‌ها با یکدیگر، افزایش جایگاه سمن‌ها در بین مردم، حمایت‌های مردم.



ردیف	ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
۳	اسناد بالادستی	قوانین و مقررات	اصل یک‌صد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوانین مدنی، قوانین حقوق خصوصی
		برنامه‌های توسعه	برنامه سوم توسعه، برنامه چهارم توسعه، برنامه پنجم توسعه، برنامه ششم توسعه، برنامه هفتم توسعه.
		آیین‌نامه‌ها	آیین‌نامه تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی ۱۳۸۴
۴	توانمندسازی	بازسازی درون‌سازمانی	تدوین روابط کاری، ارتقای اثربخشی، افزایش عملکرد، بازنگری مشاغل، انعطاف ساختاری.
		تخصصی شدن	مهارت‌افزایی، تخصصی شدن خدمات، بهره‌گیری از افراد متخصص.
		آسیب‌شناسی	شناخت آسیب‌های ساختاری، شناخت آسیب‌های کارکردی و عملکردی، آسیب‌های منابع انسانی.
		مدیریت دانش	استخراج داده‌ها (تجارب ضمنی)، جمع‌آوری تجارب ضمنی، به اشتراک گذاشتن دانش‌ها، به‌کارگیری دانش‌ها و تجارت.
۵	بسترسازی	الکترونیک	زیرساخت‌های الکترونیک، تبلیغات، آموزش الکترونیک، لوازم و ادوات الکترونیک، برنامه‌های نرم‌افزاری، اینترنت.
		محیطی و مکانی	آمادگی ذهنی مردم، آمادگی ذهنی کارکنان، جانمایی سازمان.
		ایجاد زمینه سیاسی و اجتماعی	زمینه‌های سیاسی، موافقت سیاستمداران با ایجاد سمن، زمینه‌های اجتماعی، توسعه اجتماع ملی.

۴-۱. توصیف

با توجه به شاخص‌های استخراج شده و مؤلفه‌های تعیین شده شاخص‌ها در نهایت می‌توان ۵ بُعد اصلی با عناوین بُعد درون‌سازمانی، بُعد برون‌سازمانی، اسناد بالادستی، توانمندسازی و بسترسازی برای تدوین خط‌مشی‌گذاری در حوزه توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت

آموزش و پرورش استخراج نمود. این ابعاد ناظر بر اهداف و سیاست‌های شکل‌گیری و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت آموزش و پرورش هستند.

در این پژوهش به‌منظور تأیید شاخص‌های تعیین شده، مؤلفه‌ها و ابعاد استخراج شده از نظرات صاحب‌نظران با پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شده است که اهمیت و رتبه‌بندی آن‌ها مشخص که در ادامه به آن پرداخته شده است.

۴-۲. رتبه‌بندی ابعاد

جهت تعیین رتبه و اولویت‌بندی اهمیت ابعاد در خط‌مشی‌گذاری در حوزه توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت آموزش و پرورش و تعیین هرکدام از این ابعاد نسبت به یکدیگر، آزمون فریدمن انجام که نتایج آن به شرح جدول زیر مشخص شده است.

جدول ۲: آزمون فریدمن برای اولویت‌بندی ابعاد

اولویت	مقدار آزمون فریدمن	ابعاد
۱	۷/۱۱	درون‌سازمانی
۲	۶/۲۱	برون‌سازمانی
۵	۶/۰۲	اسناد بالادستی
۴	۶/۱۵	توانمندسازی
۳	۶/۱۸	بسترسازی

در آزمون فریدمن که به‌صورت رتبه‌بندی است به ترتیب اولویت‌بندی بالاترین رتبه به بُعد درون‌سازمانی با میانگین رتبه‌ای ۷/۱۱ و پایین‌ترین رتبه به اسناد بالادستی با میانگین رتبه‌ای ۶/۰۲ اختصاص یافته و بقیه ابعاد در بین این دو رتبه قرار گرفته‌اند که این عمل نشان‌دهنده بالاترین اهمیت و اولویت‌بندی بالاتر بُعد درون‌سازمانی در خط‌مشی‌گذاری در حوزه توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت آموزش و پرورش هستند.



۳-۴. رتبه‌بندی مؤلفه‌ها

۳-۴-۱. رتبه‌بندی مؤلفه‌ها در حوزه بُعد درون‌سازمانی

جهت تعیین رتبه و اولویت‌بندی اهمیت مؤلفه‌های بُعد درون‌سازمانی در خط‌مشی‌گذاری در حوزه توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت آموزش و پرورش و تعیین هرکدام از این مؤلفه‌ها نسبت به یکدیگر، آزمون فریدمن انجام که نتایج آن به شرح جدول زیر مشخص شده است.

جدول ۳: آزمون فریدمن برای اولویت‌بندی مؤلفه‌ها در بُعد درون‌سازمانی

اولویت	مقدار آزمون فریدمن	مؤلفه‌ها
۱	۷/۰۲	مسائل اقتصادی
۲	۷/۱۵	مسائل ساختاری و مدیریتی
۳	۷/۶۳	مسائل منابع انسانی

در آزمون فریدمن که به صورت رتبه‌بندی است به ترتیب اولویت‌بندی بالاترین رتبه به مؤلفه مسائل منابع انسانی با میانگین رتبه‌ای ۷/۶۳ و در رتبه دوم مؤلفه مسائل ساختاری و مدیریتی با میانگین رتبه‌ای ۷/۱۵ و در رتبه سوم مؤلفه مسائل اقتصادی با میانگین رتبه‌ای ۷/۰۲ است که این عمل نشان‌دهنده بالاترین اهمیت و اولویت‌بندی بالاتر مسائل منابع انسانی در خط‌مشی‌گذاری در حوزه توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت آموزش و پرورش در بُعد درون‌سازمانی هستند.

۳-۴-۲. رتبه‌بندی مؤلفه‌ها در حوزه بُعد برون‌سازمانی

جهت تعیین رتبه و اولویت‌بندی اهمیت مؤلفه‌های بُعد برون‌سازمانی در خط‌مشی‌گذاری در حوزه توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت آموزش و پرورش و تعیین هرکدام از این مؤلفه‌ها نسبت به یکدیگر، آزمون فریدمن انجام که نتایج آن به شرح جدول زیر مشخص شده است.

جدول ۴: آزمون فریدمن برای اولویت‌بندی مؤلفه‌ها در بُعد برون‌سازمانی

اولویت	مقدار آزمون فریدمن	مؤلفه‌ها
۲	۶,۷۳	حاکمیت
۱	۶,۹۵	جامعه

در آزمون فریدمن که به‌صورت رتبه‌بندی است به ترتیب اولویت‌بندی بالاترین رتبه به مؤلفه جامعه با میانگین رتبه‌ای ۶/۹۵ و در رتبه دوم مؤلفه حاکمیت با میانگین رتبه‌ای ۶/۷۳ است که این عمل نشان‌دهنده بالاترین اهمیت و اولویت‌بندی بالاتر مؤلفه جامعه در خط‌مشی‌گذاری در حوزه توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت آموزش و پرورش هستند.

۴-۳-۳. رتبه‌بندی مؤلفه‌ها در حوزه بُعد اسناد بالادستی

جهت تعیین رتبه و اولویت‌بندی اهمیت مؤلفه‌های بُعد اسناد بالادستی در خط‌مشی‌گذاری در حوزه توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت آموزش و پرورش و تعیین هرکدام از این مؤلفه‌ها نسبت به یکدیگر، آزمون فریدمن انجام که نتایج آن به شرح جدول زیر مشخص شده است.

جدول ۵: آزمون فریدمن برای اولویت‌بندی مؤلفه‌ها در بُعد اسناد بالادستی

اولویت	مقدار آزمون فریدمن	مؤلفه‌ها
۱	۵/۸۵	قوانین و مقررات
۳	۵/۱۶	برنامه‌های توسعه کشور
۲	۵/۲۴	آیین‌نامه‌ها

در آزمون فریدمن که به‌صورت رتبه‌بندی است به ترتیب اولویت‌بندی بالاترین رتبه به مؤلفه قوانین و مقررات با میانگین رتبه‌ای ۵/۸۵ و در رتبه دوم مؤلفه آیین‌نامه‌ها با میانگین رتبه‌ای ۵/۲۴ و در رتبه سوم مؤلفه برنامه‌های توسعه کشور با میانگین رتبه‌ای ۵/۱۶ است که این عمل نشان‌دهنده بالاترین اهمیت و اولویت‌بندی بالاتر قوانین و مقررات در



خط‌مشی‌گذاری در حوزه توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت آموزش و پرورش در بعد اسناد بالادستی هستند.

۴-۳-۴. رتبه‌بندی مؤلفه‌ها در حوزه بُعد توانمندسازی

جهت تعیین رتبه و اولویت‌بندی اهمیت مؤلفه‌های بُعد توانمندسازی در خط‌مشی‌گذاری در حوزه توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت آموزش و پرورش و تعیین هرکدام از این مؤلفه‌ها نسبت به یکدیگر، آزمون فریدمن انجام که نتایج آن به شرح جدول زیر مشخص شده است.

جدول ۶: آزمون فریدمن برای اولویت‌بندی مؤلفه‌ها در بُعد توانمندسازی

اولویت	مقدار آزمون فریدمن	مؤلفه‌ها
۱	۷/۱۱	بازسازی درون‌سازمانی
۴	۶/۱۲	تخصصی شدن
۳	۶/۵۴	آسیب‌شناسی
۲	۶/۷۱	مدیریت دانش

در آزمون فریدمن که به صورت رتبه‌بندی است به ترتیب اولویت‌بندی بالاترین رتبه به مؤلفه بازسازی درون‌سازمانی با میانگین رتبه‌ای ۷/۱۱ و در رتبه دوم مؤلفه مدیریت دانش با میانگین رتبه‌ای ۶/۷۱ و در رتبه سوم مؤلفه آسیب‌شناسی با میانگین رتبه‌ای ۶/۵۴ است که این عمل نشان‌دهنده بالاترین اهمیت و اولویت‌بندی بالاتر بازسازی درون‌سازمانی در خط‌مشی‌گذاری در حوزه توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت آموزش و پرورش در بُعد توانمندسازی هستند.

۴-۳-۵. رتبه‌بندی مؤلفه‌ها در حوزه بُعد بسترسازی

جهت تعیین رتبه و اولویت‌بندی اهمیت مؤلفه‌های بُعد بسترسازی در خط‌مشی‌گذاری در حوزه توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت آموزش و پرورش و تعیین هرکدام از این

مؤلفه‌ها نسبت به یکدیگر، آزمون فریدمن انجام که نتایج آن به شرح جدول زیر مشخص شده است.

جدول ۷: آزمون فریدمن برای اولویت‌بندی مؤلفه‌ها در بُعد بسترسازی

اولویت	مقدار آزمون فریدمن	مؤلفه‌ها
۱	۷/۰۳	بسترسازی الکترونیک
۲	۶/۵۹	بسترسازی محیطی و مکانی
۳	۶/۴۴	ایجاد زمینه سیاسی و اجتماعی

در آزمون فریدمن که به صورت رتبه‌بندی است به ترتیب اولویت‌بندی بالاترین رتبه به مؤلفه بسترسازی الکترونیک با میانگین رتبه‌ای ۷/۰۳ و در رتبه دوم مؤلفه بسترسازی محیطی و مکانی با میانگین رتبه‌ای ۶/۵۹ و در رتبه سوم مؤلفه ایجاد زمینه سیاسی و اجتماعی با میانگین رتبه‌ای ۶/۴۴ است که این عمل نشان‌دهنده بالاترین اهمیت و اولویت‌بندی بالاتر بسترسازی الکترونیک در خط‌مشی‌گذاری در حوزه توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت آموزش و پرورش در بُعد بسترسازی هستند.

۴-۳-۶. پاسخ به سؤالات پژوهش

سؤال اول این‌چنین مطرح شده است: شاخص‌های خط‌مشی‌گذاری در حوزه توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت آموزش و پرورش چه است؟ می‌توان گفت مهم‌ترین شاخص‌ها برحسب ابعاد و مؤلفه‌ها به شرح جدول زیر است:

ردیف	ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
۱	درون‌سازمانی	مسائل اقتصادی	اختصاص بودجه، حمایت‌های مالی دولت کمک‌های مردمی و تسهیلات و اعتبارات دولتی، جذب سرمایه‌ها و منابع کوچک مردمی
		مسائل ساختاری و مدیریتی	همکاری‌های بین بخشی، اهمیت مشارکت گروهی، تشکیل کارگروه‌های تخصصی، استفاده از اتاق فکر، کار تیمی، تعهد سازمانی، استفاده از رأی‌گیری و انتخابات، توجه به اشتراک‌گذاری دانش، بهره‌گیری از روش خبرگی، قانون‌مداری



ردیف	ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
		مسائل منابع انسانی	بهره‌گیری از فرصت‌ها، برنامه‌ریزی مقابله با تهدیدها، پوشش نقاط ضعف، تقویت نقاط قوت، راهبرد مداری، برنامه‌ریزی راهبردی، قدرت تحلیل، تفویض اختیار، واگذاری وظایف براساس تخصص و مهارت
			آمادگی جسمی، سلامت جسمی، موفقیت در آزمون‌های آمادگی جسمانی، سلامت روحی و روانی، شجاعت و دلیری، اعتمادبه‌نفس، ابتکار عمل، روحیه شهادت‌طلبی، نداشتن استرس شغلی، تسلیم‌ناپذیری، هوشیاری و هوشمندی، ابتکار و خلاقیت، نظم و انضباط، پشتکار، جمع‌آوری اطلاعات و آمار لازم، تخصص (مهارت، علم و دانش شایستگی و کفایت)، پاسخ‌گو بودن، وحدت‌گرا بودن، منطبق با زمان (به روز بودن)، طی دوره‌های تخصصی شغلی، تجربه کاری، تیزهوشی و حافظه قوی، احساس مسئولیت (در برابر خدا، قانون و مردم)، اشتراک تجارب کاری، سابقه خدمت مناسب، سابقه مدیریت و فرماندهی، حسن سابقه، چاره‌جویی و پیشگیری، جذب نیروهای متخصص و صالح.
۲	برون‌سازمانی	حاکمیت	رفع چندگانگی در تولی‌گری دولتی سمن‌ها، رفع رویکرد امنیتی و سیاسی به سمن‌ها، عدم حکمرانی گفتمان دولتی بر سمن‌ها، قوانین و مقررات ایجاد و توسعه سمن‌ها، شفافیت در اداره سمن‌ها، نظارت بر سمن‌ها، عدم رویکرد ابزاری به سمن‌ها
		جامعه	ارتقای مشارکت عمومی، تعامل سمن‌ها با یکدیگر، افزایش جایگاه سمن‌ها در بین مردم، حمایت‌های مردم.
۳	اسناد بالادستی	قوانین و مقررات	اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوانین مدنی، قوانین حقوق خصوصی.
		برنامه‌های توسعه	برنامه سوم توسعه، برنامه چهارم توسعه، برنامه پنجم توسعه، برنامه ششم توسعه، برنامه هفتم توسعه.
		آیین‌نامه‌ها	آیین‌نامه تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی ۱۳۸۴
۴	توانمندسازی	بازسازی درون‌سازمانی	تدوین روابط کاری، ارتقای اثربخشی، افزایش عملکرد، بازنگری مشاغل، انعطاف ساختاری.

ردیف	ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
		تخصصی شدن	مهارت‌افزایی، تخصصی شدن خدمات، بهره‌گیری از افراد متخصص.
		آسیب‌شناسی	شناخت آسیب‌های ساختاری، شناخت آسیب‌های کارکردی و عملکردی، آسیب‌های منابع انسانی.
		مدیریت دانش	استخراج داده‌ها (تجارب ضمنی)، جمع‌آوری تجارب ضمنی، به اشتراک گذاشتن دانش‌ها، به‌کارگیری دانش‌ها و تجارت.
۵	بسترسازی	الکترونیک	زیرساخت‌های الکترونیک، تبلیغات، آموزش الکترونیک، لوازم و ادوات الکترونیک، برنامه‌های نرم‌افزاری، اینترنت.
		محیطی و مکانی	آمادگی ذهنی مردم، آمادگی ذهنی کارکنان، جانمایی سازمان.
		ایجاد زمینه سیاسی و اجتماعی	زمینه‌های سیاسی، موافقت سیاستمداران با ایجاد سمن، زمینه‌های اجتماعی، توسعه اجتماع ملی.

سؤال دوم این‌چنین مطرح شده است: ابعاد و مؤلفه‌های خط‌مشی‌گذاری در حوزه توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت آموزش و پرورش چه است؟
با توجه به شاخص‌های استخراج شده و مؤلفه‌های تعیین شده برای این شاخص‌ها در نهایت می‌توان ۵ بُعد اصلی با عناوین زیر را نام برد:

- ❖ بُعد درون‌سازمانی؛
- ❖ بُعد برون‌سازمانی؛
- ❖ اسناد بالادستی؛
- ❖ توانمندسازی؛
- ❖ بسترسازی.

برای تدوین خط‌مشی‌گذاری در حوزه توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت آموزش و پرورش استخراج نمود. این ابعاد ناظر بر اهداف و سیاست‌های شکل‌گیری و فعالیت



سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت آموزش و پرورش هستند. همچنین مؤلفه‌های خط‌مشی‌گذاری در حوزه توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت آموزش و پرورش عبارت‌اند از:

- ❖ مسائل اقتصادی؛
- ❖ مسائل ساختاری و مدیریتی؛
- ❖ مسائل منابع انسانی؛
- ❖ حاکمیت؛
- ❖ جامعه؛
- ❖ قوانین و مقررات؛
- ❖ برنامه‌های توسعه؛
- ❖ آیین‌نامه‌ها؛
- ❖ بازسازی درون‌سازمانی؛
- ❖ تخصصی شدن؛
- ❖ آسیب‌شناسی؛
- ❖ مدیریت دانش؛
- ❖ الکترونیک؛
- ❖ محیطی و مکانی؛
- ❖ ایجاد زمینه سیاسی و اجتماعی.

سؤال سوم این چنین مطرح شده است: اولویت‌بندی ابعاد و مؤلفه‌های در چهارچوب مدل پیشنهادی چیست؟

براساس نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌توان اولویت‌بندی ابعاد انجام شده برحسب آزمون فریدمن را بیان کرد:

به ترتیب اولویت‌بندی بالاترین رتبه به بُعد درون‌سازمانی با میانگین رتبه‌ای ۷/۱۱ و پایین‌ترین رتبه به اسناد بالادستی با میانگین رتبه‌ای ۶/۰۲ اختصاص یافته و بقیه ابعاد در بین این دو رتبه قرار گرفته‌اند که این عمل نشان‌دهنده بالاترین اهمیت و اولویت‌بندی بالاتر بُعد

درون‌سازمانی در خط‌مشی‌گذاری در حوزه توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت آموزش و پرورش هستند و اولویت‌بندی بدین شرح است:

۱. بُعد درون‌سازمانی؛

۲. بُعد برون‌سازمانی؛

۳. بسترسازی؛

۴. توانمندسازی؛

۵. اسناد بالادستی.

درخصوص رتبه‌بندی مؤلفه‌ها در حوزه بُعد درون‌سازمانی: به ترتیب اولویت‌بندی بالاترین رتبه به مؤلفه مسائل منابع انسانی با میانگین رتبه‌ای ۷/۶۳ و در رتبه دوم مؤلفه مسائل ساختاری و مدیریتی با میانگین رتبه‌ای ۷/۱۵ و در رتبه سوم مؤلفه مسائل اقتصادی با میانگین رتبه‌ای ۷/۰۲ است که این عمل نشان‌دهنده بالاترین اهمیت و اولویت‌بندی بالاتر مسائل منابع انسانی در خط‌مشی‌گذاری در حوزه توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت آموزش و پرورش در بُعد درون‌سازمانی هستند.

درخصوص رتبه‌بندی مؤلفه‌ها در حوزه بُعد برون‌سازمانی: به ترتیب اولویت‌بندی بالاترین رتبه به مؤلفه جامعه با میانگین رتبه‌ای ۶/۹۵ و در رتبه دوم مؤلفه حاکمیت با میانگین رتبه‌ای ۶/۷۳ است که این عمل نشان‌دهنده بالاترین اهمیت و اولویت‌بندی بالاتر مؤلفه جامعه در خط‌مشی‌گذاری در حوزه توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت آموزش و پرورش هستند.

درخصوص رتبه‌بندی مؤلفه‌ها در حوزه بعد اسناد بالادستی به ترتیب اولویت‌بندی بالاترین رتبه به مؤلفه قوانین و مقررات با میانگین رتبه‌ای ۵/۸۵ و در رتبه دوم مؤلفه آیین‌نامه‌ها با میانگین رتبه‌ای ۵/۲۴ و در رتبه سوم مؤلفه برنامه‌های توسعه کشور با میانگین رتبه‌ای ۵/۱۶ است که این عمل نشان‌دهنده بالاترین اهمیت و اولویت‌بندی بالاتر قوانین و مقررات در خط‌مشی‌گذاری در حوزه توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت آموزش و پرورش در بُعد اسناد بالادستی هستند.



درخصوص رتبه‌بندی مؤلفه‌ها در حوزه بُعد توانمندسازی ه ترتیب اولویت‌بندی بالاترین رتبه به مؤلفه بازسازی درون‌سازمانی با میانگین رتبه‌ای ۷/۱۱ و در رتبه دوم مؤلفه مدیریت دانش با میانگین رتبه‌ای ۶/۷۱ و در رتبه سوم مؤلفه آسیب‌شناسی با میانگین رتبه‌ای ۶/۵۴ است که این عمل نشان‌دهنده بالاترین اهمیت و اولویت‌بندی بالاتر بازسازی درون‌سازمانی در خط‌مشی‌گذاری در حوزه توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت آموزش و پرورش در بُعد توانمندسازی هستند.

درخصوص رتبه‌بندی مؤلفه‌ها در حوزه بُعد بسترسازی به ترتیب اولویت‌بندی بالاترین رتبه به مؤلفه بسترسازی الکترونیک با میانگین رتبه‌ای ۷/۰۳ و در رتبه دوم مؤلفه بسترسازی محیطی و مکانی با میانگین رتبه‌ای ۶/۵۹ و در رتبه سوم مؤلفه ایجاد زمینه سیاسی و اجتماعی با میانگین رتبه‌ای ۶/۴۴ است که این عمل نشان‌دهنده بالاترین اهمیت و اولویت‌بندی بالاتر بسترسازی الکترونیک در خط‌مشی‌گذاری در حوزه توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت آموزش و پرورش در بُعد بسترسازی هستند.

نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف تدوین ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های خط‌مشی‌گذاری در حوزه توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت آموزش و پرورش انجام پذیرفت. می‌توان گفت افزایش شمار و تأثیرات سازمان‌های مردم‌نهاد در عصر حاضر چشمگیر است به‌طوری‌که می‌توان این سازمان‌ها را جزو بهترین راه‌حل‌ها و عوامل کلیدی در کاهش و حل مسائل اجتماعی دانست. کثرت مسائل و پیچیدگی امور در جوامع امروز، مشارکت همه اعضا، افراد و گروه‌ها را با عقاید و آراء متنوع ایجاب می‌کند. بنابراین کسب نوع خاصی از هم‌بستگی اجتماعی و اتصال افراد جامعه و مشارکت در حل مسائل و مشکلات آن، از اصول اساسی جامعه نوین محسوب می‌شود. سازمان‌های مردم‌نهاد، سازمان‌های واسطه بین افراد و جامعه بزرگ‌تر هستند که نقش ایجاد هم‌بستگی مذکور را ایفا می‌نمایند. ایجاد این سازمان‌ها در بطن جامعه و مشارکت در قالب آن‌ها، ضمن این‌که مانع از خودبیگانگی و جدایی افراد از جامعه می‌شوند، فرصت‌هایی

را نیز برای ابراز وجود و ارائه آزادانه عقاید و تصمیمات برای افراد و گروه‌ها فراهم می‌کنند. درخصوص ضرورت مشارکت سمن‌ها در سازمان‌های دولتی چون آموزش و پرورش اختلاف نظر چندانی بین پژوهشگران عرصه خط‌مشی وجود ندارد؛ اما بیشتر شکاف‌های نظری و پژوهشی درخصوص نحوه این نقش‌آفرینی، مرحله‌ای از خط‌نگاری که این سازمان‌ها فرصت و قابلیت بیشتری برای مشارکت در آن دارند، استراتژی‌های تعامل سمن‌ها با سازمان‌های دولتی و رویکردهای مواجهه این‌گونه سازمان‌ها با سمن‌ها در فضای خط‌نگاری است. مثلاً برخی روابط سازمان‌های دولتی با سازمان‌های مردم‌نهاد را در پیوستاری از تسلط یکی از طرفین تا تشریک مساعی بین آن دو دانسته‌اند. در مورد امکان فعالیت سمن در امور مرتبط با آموزش و پرورش مخالفان و موافقان بسیاری وجود دارند که هرکدام از دیدگاه خاص خود به بررسی ارتباط میان دو این سازمان پرداخته‌اند. مخالفان حضور سازمان‌های مردم‌نهاد به عواملی چون ضعف در قوانین، فقدان سازوکارهای نظارتی مناسب، دیدگاه ناقص دولتمردان نسبت به اهمیت و جایگاه سمن‌ها، ادراک عدم مشروعیت نزد مردم، ضعف در بانک اطلاعاتی جامع و بروز و عدم اطلاع صحیح مردم از سمن‌ها، سیاست زدگی سمن‌ها، ضعف تأمین منابع مالی، ضعف در ارتباطات و همکاری مؤثر بین سمن‌ها، فقدان سرمایه اجتماعی لازم، ضعف در نیروی انسانی کارآمد، فراهم نشدن ظرفیت و بستر لازم توسط دولت و ضعف در مدیریت و راهبری اشاره می‌کنند. این در حالی است که برخی افراد معتقدند که باوجود اینکه مدت‌زمان زیادی از حضور سمن‌ها در حوزه آموزش و پرورش نمی‌گذرد؛ اما دستاوردها مهم و تأثیرگذار بوده است و حتی در برخی موارد این سازمان‌ها مؤثرتر از آموزش و پرورش عمل کرده‌اند. درواقع این سازمان‌ها نه تنها تهدید محسوب نمی‌شوند بلکه باعث افزایش کارآمدی در عملکرد آموزش و پرورش می‌گردند. وجود مشکلاتی چون گستردگی وظایف آموزش و پرورش از نظر بعد جغرافیایی و عدم توانایی آموزش و پرورش جهت نظارت در مناطق گوناگون به‌خصوص مناطق دورافتاده، وجود برخی نابرابری‌های اجتماعی در زمینه برخورداری تمامی افراد از تجهیزات و امکانات آموزشی مناسب، توجه ناکافی به بافت متنوع فرهنگی و اجتماعی در تدوین برنامه درسی، عدم توجه کافی به نظرات افراد غیرمسئول در



زمینه آموزش و پرورش چون والدین و ... ازجمله مسائلی است که نیاز به حضور سمن‌ها را در حوزه آموزش و پرورش مورد تأیید قرار می‌دهد و تاکنون شاهد بوده‌ایم که در برخی از این حوزه‌ها خصوصاً مدرسه‌سازی و آموزش کودکان محروم سمن‌ها از عملکرد مطلوبی برخوردار بوده‌اند. بنابراین ما نیاز به طراحی مدل خط‌مشی‌گذاری مدیریت مردم‌نهاد در سازمان‌های دولتی به‌طور خاص آموزش و پرورش داریم تا بتوانیم فعالیت‌های بسته‌وگریخته میان این دو سازمان را هماهنگ کنیم و با حذف موازی‌کاری‌ها و جلوگیری از چالش‌های بین دو سازمان به حرکتی هماهنگ و پرشتاب به‌سوی تحقق اهداف آموزشی دست‌یابیم. از همین‌رو در این پژوهش خط‌مشی‌گذاری در حوزه توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت آموزش و پرورش با شناخت ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها مورد بررسی قرار گرفت و مشخص گردید شاخص‌هایی کلی نظیر (اختصاص بودجه، حمایت‌های مالی دولت، کمک‌های مردمی و تسهیلات و اعتبارات دولتی، جذب سرمایه‌ها و منابع کوچک مردمی، همکاری‌های بین بخشی، تشکیل کارگروه‌های تخصصی، استفاده از اتاق فکر، کار تیمی، تعهد سازمانی، استفاده از رأی‌گیری و انتخابات، توجه به اشتراک‌گذاری دانش، بهره‌گیری از روش خبرگی، قانون‌مداری، بهره‌گیری از فرصت‌ها، برنامه‌ریزی مقابله با تهدیدها، پوشش نقاط ضعف، تقویت نقاط قوت، راهبردمداری، برنامه‌ریزی راهبردی و اگذاری وظایف براساس تخصص، سلامت جسمی و روحی و روانی کارکنان، شجاعت و دلیری کارکنان و اعتمادبه‌نفس، ابتکار عمل و هوشیاری و هوشمندی کارکنان، احساس مسئولیت (در برابر خدا، قانون و مردم)، اشتراک تجارب کاری کارکنان، جذب نیروهای متخصص و صالح، رفع چندگانگی در تولی‌گری دولتی سمن‌ها، رفع رویکرد امنیتی و سیاسی به سمن‌ها، عدم حکمرانی گفتمان دولتی بر سمن‌ها، قوانین و مقررات ایجاد و توسعه سمن‌ها، شفافیت در اداره سمن‌ها، نظارت بر سمن‌ها، عدم رویکرد ابزاری به سمن‌ها، ارتقای مشارکت عمومی، تعامل سمن‌ها با یکدیگر، افزایش جایگاه سمن‌ها در بین مردم، حمایت‌های مردم، تدوین روابط کاری، ارتقای اثربخشی، افزایش عملکرد، بازنگری مشاغل، انعطاف ساختاری، مهارت‌افزایی، تخصصی‌شدن خدمات، بهره‌گیری از افراد متخصص، شناخت آسیب‌های ساختاری، شناخت

آسیب‌های کارکردی و عملکردی، آسیب‌های منابع انسانی، استخراج داده‌ها (تجارب ضمنی)، جمع‌آوری تجارب ضمنی، به اشتراک گذاشتن دانش‌ها، به‌کارگیری دانش‌ها و تجارت، زیرساخت‌های الکترونیک، تبلیغات، آموزش الکترونیک، لوازم و ادوات الکترونیک، برنامه‌های نرم‌افزاری، اینترنت، آمادگی ذهنی مردم، آمادگی ذهنی کارکنان، جانمایی سازمان، زمینه‌های سیاسی، موافقت سیاستمداران با ایجاد سمن، زمینه‌های اجتماعی و توسعه اجتماع ملی در توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد موثرند.

براساس این شاخص‌ها در نهایت پنج بُعد اصلی (درون‌سازمانی، برون‌سازمانی، بسترسازی، توانمندسازی، اسناد بالادستی) به ترتیب اولویت به‌عنوان ابعاد خط‌مشی‌گذاری در حوزه توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت آموزش و پرورش مطرح هستند و مؤلفه‌های آن عبارت‌اند از: مسائل اقتصادی، مسائل ساختاری و مدیریتی، مسائل منابع انسانی، حاکمیت، جامعه، قوانین و مقررات، برنامه‌های توسعه، آیین‌نامه‌ها، بازسازی درون‌سازمانی، تخصصی شدن، آسیب‌شناسی، مدیریت دانش، الکترونیک، محیطی و مکانی، ایجاد زمینه سیاسی و اجتماعی). مسئولین در آموزش و پرورش و وزارت کشور و نهادها و سازمان‌های مرتبط برای توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در آموزش و پرورش باید به ابعاد مشخص شده در این پژوهش به‌منظور تعیین خط‌مشی مناسب جهت شکل‌گیری بهتر و قوی‌تر و همچنین فعالیت این سازمان‌ها در حوزه آموزش و پرورش که پیش‌تر فقط در حوزه تأمین منابع انسانی و به‌صورت جزئی در حوزه ساختار و امکانات آموزشی و پرورشی فعالیت می‌کردند توجه نمایند.



فهرست منابع

- نوذری، فاطمه (۱۳۹۸) *سازمان‌های مردم‌نهاد*، چاپ اول، تهران: انتشارات ساکو.
- پورفتحی، حسن؛ کفایی، مجید (۱۴۰۰). *فهم انتقال خط‌مشی اداری در ایران*، پژوهشی بر مبنای راهبرد داده‌بنیاد، انتشارات زعیم، تهران.
- رازقی، نادر؛ لطفی خاچکی، بهنام (۱۴۰۱). *تحلیل جامعه‌شناختی چالش‌های بقا و پایداری سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی؛ با تأکید بر رابطه آن‌ها با دولت*. جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۵(۱۱)، ۹۷-۱۲۸.
- علامه، محدثه؛ مهرمحمدی، محمود؛ صالحی امیری، سیدرضا؛ ذوالفقارزاده، محمد مهدی (۱۳۹۲). *مشارکت خانواده در سیاست‌گذاری تربیتی، شناسایی عوامل مداخله‌گر*. مطالعات رفتاری در مدیریت، ۱۳(۳۰)، ۴۰-۶۳.
- صفدریان، محسن؛ پورکیانی، علی (۱۴۰۰) *بررسی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توانمندسازی کودکان در وضعیت دشوار (با مطالعه منطقه ۱۲ تهران)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی، دانشگاه تهران.
- نیک زاد، جمشید (۱۴۰۱). *بررسی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در مدیریت بحران: به‌منظور ارائه مدل در راستای وظایف جمعیت هلال‌احمر ایران*. مدیریت بحران، ۱۱(ویژه‌نامه کرونا).

References

- Clark, J. (1995). The state, popular participation, and the voluntary sector. *World development*, 23(4), 593-601
- deoperi, D.A. and Rees, C.J. (2020), "Checks and balances? Leadership configurations and governance practices of NGOs in Chile", *Employee Relations*, Vol. 42 No. 5, pp. 1159-1177
- hatson, D., Oliver, S., & Thomas, J. (2017). Clarifying differences between review designs and methods. *Systematic Reviews* 1(28), 1–9. doi:10.1186/2046-4053-1-28.